

## 29 بهمن رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران

شاه، قیام مردم تبریز که پس از سفر کارتر رئیس جمهور آمریکا به تهران و جزیره ثبات خواندن ایران شاهنشاهی، صورت گرفته بود را به کمونیست‌ها و مارکسیست‌های اسلامی و افرادی که از آن سوی مرزها آمده‌اند، نسبت داد.



شاه، قیام مردم تبریز که پس از سفر کارتر رئیس جمهور آمریکا به تهران و جزیره ثبات خواندن ایران شاهنشاهی، صورت گرفته بود را به کمونیست‌ها و مارکسیست‌های اسلامی و افرادی که از آن سوی مرزها آمده‌اند، نسبت داد.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، 29 بهمن؛ نقطه عطفی در جریان مبارزات مردم تبریز علیه رژیم طاغوت شد که در فشی کاویانی علیه ضحاک زمانه بود.

29 بهمن سال 1356 دومین حرکت گسترده اسلامی و مردمی است که متعاقب قیام خونین 19 دی مردم قم در شهر قهرمان‌پرور تبریز صورت گرفت، این حرکت راه امت اسلامی را به راه خونینی که در بیش روی داشت پیوند داد و لحظاتی را به دنبال آورد که از آن خورشید حیات آفرین انقلاب اسلامی آغاز به درخشش کرد.

تبریز نخستین پایتخت شیعه است. مناره‌های مسجد صاحب‌الامر روزی را که سکه‌ها به نام علی بن ابیطالب (ع) ضرب شدند، نیک به یاد دارد و شاهی است برجای ایستاده در گذر روزها، ماه‌ها، سال‌ها و حوادث روزگار.

تبریز به مرور خاطرات سال‌های استبداد صغیر می‌پردازد. هنوز صدای ستارخان (سردار ملی) بر در و دیوار این شهر ضبط است که گفت: «171# من می‌خواهم ۷۲ اقلیم زیر بیرق امیرالمؤمنین و حضرت عباس باشند، شما از من می‌خواهید زیر بیرق روس و انگلیس بروم؟!" باغشمال به خود می‌بالد که روزی باقرخان (سالار ملی) قدم بر سینه وی فشرده است.

دوشنبه دهم دیماه سال ۱۲۹۰ شمسی و مصادف با روز عاشورا است. پیکر ثقه‌الاسلام و هشت تن از یارانش با آقا شیخ سلیم، میرزا ابولقاسم ضیاءالعلماء محمد قلی‌خان، صادق الملک، پسران علی مسیو و مشهدی ابراهیم خیاط توسط قشون روس به دار آویخته شده‌اند. ثقه‌الاسلام حاضر نشد حمله روس‌ها به تبریز را به رسمیت بشناسد و مجاهدان تبریز را شورشی معرفی کند، وی اقتدار ایران را می‌خواست.

سال‌هاست که پهلوی دوم بر کشور پهناور ایران حکم می‌راند. روز عاشورا است و مردم از راه‌اندازی دسته‌های عزاداری منع شده‌اند. در میدان ساعت شهر (نوبار قاپیسی) سوز و سرما بیداد می‌کند، صدای ناله حزینی فضای میدان را درهم می‌پیچد صدا، صدای «171# کریم آقا صافی"؛ شاعر نوحه‌سرای تبریزی است که می‌خواند:

«171#؛ یوم عاشورا دی یا روز قیامت‌دور بوگون

یا قیامت عرصه سیندن بیر علامت‌دیر بوگون"؛

مردم گرداگرد صافی جمع می‌شوند و دسته عزادای باشکوهی به راه می‌افتد و صافی ادامه می‌دهد:

«171#؛ عالم باطنده ایندی کربلا قان آغلیور

خنجر قاتل باخیر مقتوله هر آن، آغلیور

بیر طرفده زینبه گویا قیامت‌دور بوگون"؛

و این حکایت تبریز است. دیار شمس تبریزی، قبله‌گاه مولانا و خانه اهل بیت!

قیام 19 دی ماه سال 56 مردم قم در اعتراض به یک مقاله توهین آمیز، اندک اندک به دست فراموشی سپرده می‌شد و رژیم منحوس پهلوی می‌رفت تا ستونهای بنای پوسیده استبدادی خویش را بر کالبد ایران محکم کند که توفان دیگری به پاخاست و همه رؤیاهای کاذب طاغوت را به کابوس مبدل کرد، در حالی که برنامه ریزان و اطرافیان شاه، چنین پیشگویی کرده بودند که با سرکوب مردم قم، ایران دیگر مطیع رژیم پهلوی است، اما تنها 40 روز بعد از آن حادثه خونین، خون انقلاب و نهضت در رگهای دیار آذرآبادگان

و زادگاه مبارزان و عالمان یعنی تبریز، جاری شد.

29 بهمن ماه سال 56، نقطه عطفی بود تا با برپایی آیینهای چهل قیام شهرها، نهضت خمینی کبیر(ره) به یک قیام و انقلاب سراسری تبدیل شده و به بهار دلنشین پیروزی مردم در دهه فجر سال 1357 ختم شود. عصر روز 28 بهمن 56، جنب و جوش محسوسی آذربایجان را فراگرفته بود، بازار تبریز در تکاپوی فردا بود. در داخل دانشگاه تبریز نیز برخی دانشجویان برنامه فردا را در گوش هم زمزمه می کردند.

ناگفته هایی از 29 بهمن 56 تبریز/ حماسه 29 بهمن تبریز و تأثیر آن بر روند انقلاب

سید مسعود نقیب مدیر مرکز اسناد و کتابخانه شمال غرب کشور و یکی از مورخان وقایع انقلاب اسلامی در شهر تبریز در گفت و گو با خبرنگار فارس در تبریز درباره قیام 29 بهمن می گوید: سال 1341 پس از ظهور قدرت مندان امام خمینی(ره) در صحنه سیاسی و به خصوص پس از جریان 15 خرداد 1342 و تبعید امام به ترکیه، بروز خفقان و دیکتاتوری بسیار شدید توسط رژیم طاغوت و شخص شاه، دستگیری، تبعید، تعقیب، حبس و شکنجه نیروهای انقلابی و مبارز شدت یافت و از سوی دیگر حضور سیاسی، نظامی، اقتصادی و ... آمریکا در کشور به دست گرفتن پست های مهم و کلیدی توسط بهائیان، مصونیت اتباع آمریکایی، استبداد و دیکتاتوری شاه و خاندان پهلوی و ساواک باعث شد تا دو اتفاق بزرگ در کشور رخ دهد.

وی ادامه داد: شهادت آیت الله مصطفی خمینی در اول آبان 1356 در عراق و درج مقاله توهین آمیز تحت عنوان "ایران و استعمار سرخ و سیاه" 17 دی سال 1356 در روزنامه اطلاعات باعث شعله ور شدن آتش زیر خاکستر شد.

نقیب ادامه داد: پس از درج این مقاله که اهانت بزرگی به ساحت امام خمینی بود مردم قم تجمع کرده و به تظاهرات گسترده ای اقدام کردند که مزدوران و عمال رژیم طاغوت در حمله به این تظاهرات اعتراض آمیز تعداد زیادی از مردم قم را شهید و زخمی کردند، پس از این واقعه شاه خیال می کرد که همه چیز تمام شده و بر اریکه مطلق قدرت سوار است اما این خیال خامی بود چرا که 40 روز بعد در اربعین شهادی قم مردم غیرتمند تبریز به پا خاستند که این حرکت تأثیر شگفت انگیزی در روند پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران داشت.

وی ادامه داد: قبل از قیام 29 بهمن تبریز، مردم تبریز بصورت برجسته و گریخته با شرکت در سخنرانی ها، پخش اعلامیه ها و حضور در سخنرانی ها فعالیت هایی داشتند اما زیاد اثر گذار نبودند.

این فعال سیاسی انقلاب در ادامه خاطر نشان کرد: رژیم پهلوی روی آذربایجان و به خصوص تبریز حساب ویژه ای باز کرده بود و انتظار نداشت تبریز در قیام های انقلابی فعالیت داشته باشد، زیرا زن شاه تبریزی الاصل بود و انتظار قیام به خاطر زن شاه در نظر رژیم شاهنشاهی نزدیک به صفر بود.

قیام 29 بهمن تبریز کاملاً اسلامی و حسینی بود

وی خاطر نشان کرد: مردم تبریز به بهانه برگزاری مراسم چهل شهادی قم تصمیم گرفتند قیام کنند و به همین منظور جلسات برنامه ریزی و هدایت مردم به صورت کاملاً مخفیانه در خانه آیت اله قاضی طباطبایی برگزار می شد.

مدیر مرکز اسناد و کتابخانه ملی شمال غرب کشور در ادامه افزود: مردم برای برگزاری تظاهرات آماده بودند که با شهادت شهید تجلا (اولین شهید قیام 29 بهمن مردم تبریز) طغیان کردند و در یک حرکت کاملاً اسلامی و حسینی در مرحله اول تمام مراکز منتصب به بهائیت و مشروب فروشی ها بصورت خود جوش تخریب کردند.

قیام تبریز کمر رژیم را شکست

سید مسعود نقیب در ادامه خاطر نشان کرد: قیام مردم تبریز باعث شد شعله انقلاب بر افروخته تر شود و همین امر باعث شد تا کمر رژیم پهلوی شکسته شود.

وی ادامه داد: در قیام 29 بهمن مردم تبریز 14 نفر شهید و بیش از 100 نفر مجروح شدند و بدستور حضرت امام و توسط آیت اله قاضی طباطبایی و حجت و الاسلام و المسلمین آقازاده به خانواده هر کدام از شهدا و جانبازان بین 500 تا 1000 تومان کمک هزینه

درمان پرداخت شد و علت این امر این بود که چون مجروحان نمی‌توانستند برای مداوا به بیمارستان‌ها بروند و در خانه معالجه می‌شدند باید هزینه این معالجه‌ها از جایی تامین می‌شد.

اولین اقدام به براندازی مجسمه شاه در تبریز

نقیب در ادامه به اتفاقات رخ داده در قیام 29 بهمن مردم تبریز پرداخت و گفت: نخستین اقدام برای سرنگونی مجسمه شاه در 29 بهمن 56 و توسط مردم تبریز روی داد. وی ادامه داد: این اقدام تا جایی پیش رفت که مردم طناب را دور گردن مجسمه شاه انداختند ولی متأسفانه موفق به سرنگونی مجسمه نشدند.

قیام 29 بهمن باعث برکناری 9 نفر از سران کشور شد

مدیر مرکز اسناد و کتابخانه ملی شمال غرب کشور در ادامه افزود: مراسم چهل‌م مردم تبریز در شهرهای اصفهان، یزد و... برگزار شد و رفته رفته دامنه اعتراضات گسترش یافت.

وی ادامه داد: بعد از قیام 29 بهمن مردم تبریز 9 نفر از سران از جمله استاندار، رئیس شهربانی وقت و ... را فوراً بعثت عدم کفایت در برقراری نظم در استان برکنار شدند.

نقیب خاطر نشان کرد: اردیبهشت سال 57 جمشید آموزگار نخست وزیر وقت به تبریز آمد و برای استقبال از وی از تمام شهرها و روستاها به زور مردم را با مینی بوس‌ها به تبریز آوردند تا از آموزگار استقبال کنند.

شاه به دانشگاه‌ها حساس شده بود

نقیب ادامه داد: در پی افزایش اعتراضات، درگیری‌ها به داخل دانشگاه‌ها نیز رسید و شاه به شدت به دانشگاه‌ها حساس شده بود.

وی افزود: دو حرکت علاوه بر رهبری امام خمینی (ره) به حرکت و افزایش شور انقلاب کمک شایانی کرد: اول خیزش 19 دی مردم قم و دوم، برگزاری مراسم چهل‌م شهدای قم در تبریز بود.

مسعود نقیب با بیان اینکه ریشه‌های قیام 29 بهمن تبریز باید شناخته شود، افزود: این قیام صدرصد اسلامی بود و رنگ قرآنی و مذهبی داشت و این مسئله در عملکرد مردم نیز متجلی است.

نقیب افزود: در این قیام حدود 43 بانک و مراکز فساد به آتش کشیده شد و 30 مرکز خسارت دید اما کسی به پول‌های بانک‌ها که دسته دسته در خیابان ریخته شده بود، دست نزد.

وی گفت: در این میان بانک صادرات در دست بهایی‌ها بود و مردم به واسطه خشم از این فرقه انحرافی دینی به این بانک حمله بردند.

مدیر مرکز اسناد و کتابخانه شمال غرب کشور گفت: ساختمان حزب رستاخیز، دو سینما، یک هتل، ساختمان کاخ جوانان و شرکت تعاونی روستا نیز از جمله ساختمان‌هایی بودند که در این جریان آسیب دید و سوخت.

نقیب صحبت‌هایش به پیام صادر شده در تاریخ هشتم اسفند سال 1356 از سوی امام خمینی (ره) به مردم تبریز پس از قیام 29 بهمن سال 1356 اشاره می‌کند که در بخش‌هایی از آن آمده بود: سلام بر اهالی شجاع و متدین آذربایجان، درود بر مردمان برومند و جوانان غیرتمند تبریز، درود بر مردانی که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام کردند و با فریاد "مرگ بر شاه" خط بطلان بر گزافه‌گویی‌ها کشیدند، زنده باشند مردم مجاهد تبریز که با نهضت عظیم خود مشقت محکمی بر دهان یاهو گویان زدند من نمی‌دانم با چه زبانی به اهالی محترم تبریز و به مادران داغ‌دیده و پدران مصیبت کشیده تسلیت بگویم، من به شما اهالی آذربایجان نوید می‌دهم، نوید پیروزی نهایی.

مردم آذربایجان در حماسه 29 بهمن پس‌مانده‌های رژیم را مایوس کردند

امام جماعت مسجد قزلی مسجدی که قیام مردم تبریز از آن مکان آغاز شد در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در تبریز گفت: مردم آذربایجان در روز 29 بهمن 56 با شعله ور کردن آتش انقلاب، پس‌مانده‌های رژیم و دشمنان را مایوس کردند.

سید صالح هاشمی افزود: ملت قهرمان تبریز، چه در زمان انقلاب و قیام علیه رژیم جلا پهلوی و چه در زمان جنگ و دفاع از خاک پاک ایران در مقابل متجاوزین، همیشه در صف اول مبارزات قرار داشتند و هیچ گاه صحنه را خالی نگذاشته‌اند. وی اضافه کرد: در این روز تاریخی مردم تبریز حماسه آفریدند و تاثیر عظیم این حرکت، این بود که دشمنان انقلاب مایوس شدند و دوستان انقلاب، کسانی که برای برقراری حکومتی اسلامی تلاش می‌کردند، به شور آمدند و بانگیزه و امید بیشتری علیه حکومت به مبارزه پرداختند.

امام جماعت مسجد قزلی تبریز، با اشاره به اینکه کانون های مبارزه و جهاد در همه برهه ها، مساجد بودند، گفت: روحانیت آگاه مردم را در این مکان‌ها سازماندهی و هدایت می‌کردند. کسانی نظیر آیت الله قاضی طباطبایی، اشراقی، واعظی و غروی در این ایام به عنوان روحانیت مبارز همواره به راهبری و هدایت مردم مشغول بودند.

هاشمی تصریح کرد: آغازگر این قیام‌ها مردمی بودند که در مقابل مسجد قزلی تجمع کردند. عامل خشم مردم نیز در 29 بهمن، اهانت یکی از مزدوران رژیم به خانه مقدس خدا بود.

وی با بیان اینکه مساجد را مردم اداره می‌کردند، اظهار داشت: یکی از رمزهای موفقیت و پیروزی مردم مسلمان در تشکیل حکومت دلخواه خود یعنی حکومت جمهوری اسلامی ایران، این بود که روحانیت و مساجد، کاملاً مردمی بودند و همراه با مردم و متکی به ایمان و مال و جان مردم بودند.

عضو شورای اسلامی شهر تبریز، رمز ماندگاری و حیات انقلاب اسلامی را ارتباط تنگاتنگ مردم و روحانیت دانست و گفت: این ارتباط در چه مکانی بهتر از مساجد می‌تواند، حفظ شود. رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تبریز در خصوص فعالیت های فرهنگی این شورا گفت: شورای اسلامی شهر باید با زبان و شیوه‌ای نو و در قالبی تازه این کار را انجام دهد تا جوان امروز که اهل تفکر و بینش است، سخنانمان را بپذیرد.

وی ادامه داد: حرکت در مسیر فرهنگی و تهیه و تولید محصولات فرهنگی کاری بسیار ظریف است و دقت و مهارت زیادی طلب می‌کند ما در شورا برنامه‌هایی در دست اقدام داریم و پروژه‌هایی نیز در دست بررسی و برنامه ریزی است.

#### نخستین شعارهای محوری انقلاب در تبریز

در ماه‌های نخستین بعد از پیروزی انقلاب، آذربایجان با ناملایماتی روبه‌رو می‌شود. تبریز نیروهایی را در دامن خود پرورده است که این روزها می‌توانند ساز مخالف رهبری نظام نوپای بعد از انقلاب را بزنند.

مهدی بازرگان و بسیاری از دوستان وی در نهضت آزادی اهل تبریزند و سیاست گام به گام آنها، صحنه حاکمیت را به نفع جمهوری اسلامی ترک گفته است. حزب خلق مسلمان، رسماً علم مبارزه مسلحانه و احقاق حقوق آذربایجان در حاکمیت و مرجعیت دینی را برداشته است. اتحاد جماهیر شوروی و رهبران حزب توده به تبریز امیدوارند.

نخستین شعارهای محوری انقلاب در تبریز بر سر زبان‌ها می‌افتد و به همه جای کشور منتقل می‌شود.

آیت‌الله قاضی تا آخرین لحظه زندگی ارتباطش را با امام خمینی (ره) حفظ می‌کند. نخستین و دومین امام جمعه تبریز، آیت‌الله قاضی و آیت‌الله مدنی در حمایت از رهبری امام راحل به شهادت می‌رسند و این بار، آذربایجان شعار دیگری سر می‌دهد که هنوز به گوش می‌رسد: #171؛ آذربایجان اوپاخدی، انقلابا دپاخدی

در پایان می‌توان چنین نتیجه گرفت، انقلاب اسلامی حرکتی عمیق، پویا و بالنده و در یک عبارت روشن معجزه بود. اعجاز این حرکت به عنوان چکیده قرن‌ها اندیشه و آرمان الهی اسلامی، بیشتر از این جهت جلوه‌گر شد که تمام تحلیل‌ها و دیدگاه‌های رایج سیاسی را بر هم زد.

رویداد انقلاب اسلامی به تصریح دستگاه‌های خبری جهان، نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و سیاسی را شگفت‌زده کرد و آنها را واداشت که به خطا در پیش‌بینی‌های خود اعتراف کنند.

بر همین اساس آنها از این انقلاب به اعجاز در رخدادهای سیاسی تعبیر کردند و گویی این اعجاز مرزها و دامنه‌های خود را با گذشت به دو دهه از وقوع آن برنچیده و هنوز ادامه دارد.

مرور حوادث و جریان‌های سیاسی و اجتماعی جهان در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به روشنی این نکته را آشکار می‌کند که گویی بخش اعظمی از این حوادث به نوعی با انقلاب اسلامی پیوند می‌خورند.

نخستین دستاورد جهانی این حرکت به راستی تحقیر آمریکا به عنوان قدرت برتر بود و دیدیم که چگونه جوانانی که با پشتوانه‌های دینی و اعتقادی به میدان گام نهاده بودند، در نخستین بازتاب‌های انقلاب پیکار مبارزه را به سوی امپریالیسم جهانی هدایت کردند و مبارزه آنها سبب شعله‌ور شدن آتش کینه‌های فرو خفته جهان سوم علیه امپریالیسم شد.

پرونده انقلاب ایران با همه تلاش‌های پنهان و آشکاری که برای سرکوب آن صورت گرفت، هیچ‌گاه بسته نشد و در هر ورق از این پرونده نام و عنوان یک حرکت و نهضت در جای جای جهان ذکر شد. اما اساسی‌ترین بعد انقلاب در واقع همان ویژگی‌های اعجازگونه آن بود. تجربه‌های جهانی حاکی از آن است که کشورهای دگرگون شده از انقلاب با گذشت اندک زمانی، دگرگونی یا نشانه‌های انحراف در آنها آشکار می‌شود و یا فشارهای درونی و برونی فرسایش شدید اقتصادی، ریشه‌های انقلاب را می‌خشکاند اما در انقلاب ایران با وجود شدت فشارهای درونی و برونی که بیشتر در قالب محاصره اقتصادی و تحمیل کردن یک جنگ همه جانبه ظاهر شد، نه تنها ریشه‌های این حرکت عظیم دچار آسیب نشد بلکه همین فشارها، پایه‌های انقلاب را مستحکم‌تر ساخت و بارش هزاران درد و رنج و کاستی، فرزندان انقلاب را آبدیده کرد و طوفان‌های سهمگین نه تنها برگ و بار درخت بارور و بهارآور انقلاب را فرو نریخت، بلکه موجب شد که هر روز جوانه‌های تازه بر شاخ و بازوی این درخت بیشتر بروید. بر همین اساس جامعه ما که حساس‌ترین دوران سیاسی خود را سپری می‌کند، در رگ‌های خود خونی از جنس اعجاز دارد و این انقلاب که موهبتی الهی بود جامعه ما را در میان جوامع جهانی برتری داد، گویی این موهبت الهی را همانا دست خدا نگاه داشته است. اینک جامعه ما در تداوم همان اعجاز چشم جهانیان را به تعجب گشوده است زیرا هر روز که رویدادی رخ می‌دهد نتایج و دستاوردهای آن بیش از گذشته آشکار می‌شود.